

چارچوب راهبردی جهاد کبیر: از دشمن‌شناسی تا قدرت‌سازی درون‌زا!



این یادداشت به تحلیل سیستماتیک استراتژی مواجهه با دشمن در اندیشه رهبر شهید انقلاب اسلامی می‌پردازد و با تمرکز بر مفهوم محوری «جهاد کبیر»، چهار لایه به‌هم‌پیوسته در این منظومه راهبردی را شناسایی می‌کند: بنیان معرفتی دشمن‌شناسی هوشمندانه، چارچوب عملیاتی مقاومت فعال، سازوکارهای قدرت‌سازی درون‌زا، و پیونددهنده‌های میان‌لایه‌ای همچون جهاد تبیین. این مدل، چارچوبی تحلیلی برای فهم نحوه تبدیل تهدیدهای ترکیبی به فرصت‌های راهبردی ارائه می‌دهد.

مسئله و مبانی نظری آن است که دشمن امروزین از الگوی «جنگ ترکیبی» پیروی می‌کند؛ نبردی چندسطحی که در آن ابزارهای اقتصادی، رسانه‌ای، روانی، فرهنگی و امنیتی به‌طور همزمان به کار گرفته می‌شوند و هدف غایی آن بیرون راندن مردم از صحنه و خالی کردن میدان هم‌اوردی است. پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان در برابر چنین تهاجم چندبعدی، بدون فروپاشی، به مقاومت و پیشرفت ادامه داد.

پاسخ رهبر شهید به این مسئله، منظومه‌ای از مفاهیم قرآنی و راهبردهای عملیاتی است.

لایه اول، بنیان معرفتی یا اپیستمولوژی راهبردی است که بر سه مؤلفه استوار است: نخست، اصل شناخت بدون هراس – دشمن باید به‌درستی شناخته شود اما این شناخت نباید به ترس بدل گردد، زیرا ترس خود مانع پیروزی است. دوم، اصل وارون‌سازی نشانه‌ها – فشار و عصبانیت دشمن نه نشانه ضعف، بلکه نشانه

قدرت و پیشرفت ما تفسیر می‌شود که این یک وارون‌سازی شناختی و تغییر میدان روانی به نفع خودی است. سوم، اصل شناخت ماهیت تهدید – تهدید معاصر ترکیبی است و نیازمند پاسخ ترکیبی، و غفلت از هر یک از ابعاد آن راهبرد را ناقص می‌کند.

لایه دوم، نظریه جهاد کبیر به‌مثابه چارچوب راهبردی است. این مفهوم برگرفته از آیه ۵۲ سوره فرقان «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِمَا جِهَادًا كَبِيرًا» است. با توجه به نزول آیه در مکه و پیش از تشریع جهاد نظامی، «جهاد کبیر» به‌عنوان «عدم اطاعت از دشمن» معنا می‌شود. این بدان معناست که مقاومت سلبی (نفی تبعیت) در برابر فشار دشمن و نیز تلاش مستمر برای تضعیف اراده دشمن از طریق کنشگری فعال، صورت‌بندی اصلی این مفهوم است. جهاد کبیر یک چارچوب هنجاری-راهبردی ارائه می‌دهد که همه راهبردهای خرد را درون خود جای می‌دهد.

لایه سوم، سازوکارهای عملیاتی یا مدل مقاومت فعال است که سه مؤلفه دارد: دفاع مردم‌پایه به معنای امنیت‌سازی اجتماعی با مشارکت آحاد جامعه که برگرفته از تعمیم مفهوم «قوه» در آیه ۶۰ سوره انفال به همه ظرفیت‌های ملی است؛ کنشگری پیشدستانه به معنای تغییر معادله به نفع خودی و نه صرفاً واکنش نشان دادن که منطق جهاد کبیر به‌عنوان ابتکار عمل را محقق می‌سازد؛ و شبکه متحدان منطقه‌ای برای ایجاد موازنه قدرت چندلایه که هم‌زمان نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری را دنبال می‌کند. این سه مؤلفه یک مثلث راهبردی را تشکیل می‌دهند که جهاد کبیر نیروی محرک مرکزی آن است.

لایه چهارم، قدرت‌سازی درون‌زا از دو موتور محرک تشکیل شده است. نخست، جهاد علمی که به‌عنوان موتور پیشران استقلال عمل می‌کند و مستقیماً به افزایش توان اقتصادی، دفاعی و اعتمادبه‌نفس ملی منجر می‌شود و در بیانیه گام دوم به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ایران قوی معرفی شده است. دوم، جهاد تبیین که به‌عنوان سازوکار مقاومت شناختی در برابر جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن عمل می‌کند و با هدف خنثی‌سازی تحریف و ناامیدسازی، روایت‌سازی بدیل را از طریق روشنگری مبتنی بر پژوهش تقویت می‌نماید تا امید در جامعه حفظ شود.

در مدل تلفیقی این منظومه، ورودی آن تهدید ترکیبی دشمن است که در مرحله پردازش شناختی با دشمن‌شناسی بدون هراس و وارون‌سازی نشانه‌ها (تبدیل فشار به نشانه قدرت) مواجه می‌شود. سپس چارچوب راهبردی جهاد کبیر به‌عنوان عدم اطاعت فعال، عملیات مقاومت فعال را در سه محور مردم‌پایه، پیشدستانه و شبکه‌ای هدایت می‌کند و دو تقویت‌کننده جهاد علمی و جهاد تبیین این چرخه را تقویت می‌کنند تا خروجی نهایی یعنی تغییر معادله به نفع خودی و پیشرفت تمدنی حاصل شود. این استراتژی، یک مدل تلفیقی از هنجارهای قرآنی و تحلیل مدرن از جنگ ترکیبی است که با تبدیل تهدید به نشانه قدرت و تکیه بر دو جهاد علمی و تبیین، یک چرخه خودتقویت‌کننده از مقاومت و پیشرفت ایجاد می‌کند و نه تنها برای دفع تهدید، بلکه برای ساختن تمدن نوین اسلامی طراحی شده است.

